



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۴/۰۵/۰۳

صبور الله سیاسنگ

پرونده ناپدید

(میر اکبر خیبر)

قسمت پنجم

4. سند محرم: 03808D7072 / 21 جنوری 1979

Spike Dubs سفیر ایالات متحده امریکا در افغانستان

موافقتنامه دگروال غلامنبی وستلی به حیث سفیر در وارسا [پولند] به جمهوری دموکراتیک افغانستان رسید. گماشته شدن وستلی به خارج می تواند خیلی مهم باشد، زیرا به باور بسیاری، او از پیروان وفادار حفیظ الله امین است.

در بایگانی سفارت اطلاعات کمی از سوابق وظیفوی وستلی در دوران قبل از انقلاب داریم: این افسر نظامی متولد 1935 ولایت کنر است. در 1955 از اکادمی نظامی افغانستان در رشته پیاده فارغ شده و تا رسیدن به موقف کنونی، کورس های اختصاصی مسلک پیاده و محاربه کوهی و نیز تحصیلات در بخش "تاکتیک" در اتحاد شوروی را پشت سر گذاشته است. در 1973 به حزب دموکراتیک خلق افغانستان پیوسته بود. پیش از انقلاب، استاد اکادمی نظامی و قوماندان گارنیزون پکتیا بود. پس از انقلاب ثور، چند موقف بلند داشت: والی ننگرهار، قوماندان فرقه یازده جلال آباد، والی هرات، قوماندان فرقه هفده [هرات]، لوی درستیز وزارت دفاع و قوماندان قوای سه پکتیا. او به روسی، پشتو، دری و کمی انگلیسی شکسته سخن می زند، متأهل است و سه فرزند دارد.

به گفته جسونت دولت سنگه شارژدافیر سفارت هند، وستلی فرمانبردار صمیمی امین - وزیر امور خارجه افغانستان - بود و به دستور وی جنایاتی - به شمول گویا قتل خیبر نظریه پرداز پرچم - انجام داده است. جرعه ترور خیبر آتش انقلاب ثور را برافروخت. سنگه شیوه اداره ولایات ننگرهار و هرات دوران وستلی را "ددمنشانه" خواند.

اگر او راستی مهره امین است و متهم به ارتکاب اعمالی که برای اثباتش سند نداریم، تقررش به خارج می تواند تا حدی مفهوم داشته باشد. بدون معلومات کافی، نمی خواهیم خیال پردازی کنیم. ولی، آیا مأموریت تازه وستلی، در چهارچوب مقررات عمومی "انتخاب افراد برای مقام سفارت" - از طرف جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان - می آید؟ دانستنش دشوار است.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولی

از کمابیش بیست سفیر برگزیده حکومت (به شمول شش پرچمی تبعیدی)، شاید دو یا سه تن صلاحیت‌های لازم برای چنین موقف را دارند. دیگران یا بالانشینان ناکاره در اجرای امور داخلی اند یا مخالفین رانده شده به تبعید توأم با امتیاز. البته، انگشت‌شمار کسانی سفارت را [در برابر خدمات معین] از جانب حکومت پاداش گرفته اند.

همچو مقرری‌ها از سوی حاکمیت نوپا و درگیر چالش‌های بزرگ درونی شاید قابل درک باشد، ولی شگفت‌آور است: رژیم نورمحمد ترمکی پیش از آسیب رساندن به ارکان پالیسی خارجی خویش، تا کی به استفاده از پست‌های بلند دیپلماتیک منحيث "صندوق کثافات" ادامه خواهد داد؟



خبیر و داوود در میان دو کودتا

Selig Seidenman Harrison

در جریان یک سال پس از تصاحب قدرت سیاسی، محمد داوود دگرگونی‌هایی در حکومت آورد: در جولای 1974 دوصد تن از افسران آموزش‌دیده در شوروی را کنار زد. در سپتمبر یکی از کمونیست‌های کلیدی درون کابینه را با تنزیل مقام به مأموریت سفارت فرستاد. در تابستان 1975 به جای وزیر داخله کمونیست، قدیر نورستانی را نشانده. در اکتوبر 1975 چهل افسر دیگر آموزش‌یافته در شوروی را از قوای مسلح راند تا وابستگی آینده افغانستان به دست‌پروردگان نظامی همسایه شمالی را کاهش دهد.

نشانه برجسته در تغییر افکار داوود، دست زدنش به دو موضوع حساس آب هیرمند و قضیه "پشتونستان" در نوامبر 1975 بود. پذیرفتن پیمان غیرعادلانه اول و نپذیرفتن شورشیان پشتون و بلوچ در خاک افغانستان - برای جنگ با رژیم ذوالفقار علی بوتو - خشم عناصر ملی‌گرا را برانگیخت.

داوود در دوازده ماه پسین زندگی به جست‌وجوی دامنه‌دار راه‌های قطع علایق نظامی و اقتصادی با شوروی پرداخت و به شمار افسرانی که برای تحصیلات نظامی به هند، مصر، ایالات متحده و ترکیه فرستاده می‌شدند، افزود. در کنار امدادسانی تدریجی از ایران، پیمان کمک پنج‌صد ملیون دالری عربستان سعودی برای توسعه پروژه‌های آب و برق و قراردادهایی با چین، صندوق وجهی کویت، صندوق خاصه سازمان کشورهای صادرکننده نفت و بانک توسعه اسلامی امضا شد. او با کوبیدن موقف هاوانا، از جناح رادیکال جنبش عدم انسلاک به رهبری کیوبا فاصله گرفت، در کنار جناح میانه رو به رهبری هند و یوگوسلاویا ایستاد و اعلام کرد که افغانستان "عدم انسلاک واقعی" را رعایت می‌کند.

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د لپکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په خیر و لولئ

در دیدارهایم از تهران و کابل در 1977، نشانه‌های زیادی از تصادم و تفاهم ایران و شوروی دیدم. جعفر نادم مقام سوم وزارت خارجه ایران در صحبت محرمانه از اهرم فشار ساواک بر رژیم داوود یادآور شد و افزود: کمک‌های کشور ما مشروط است به سرکوب پرچم و خلق، دریافت وعده امضای پیمان صلح افغانستان با پاکستان و ختم پشتی‌بانی از گروه‌های شورشی در ساحات قبیلوی پشتون و بلوچ کشور همسایه. (گفت‌وشنود با نگارنده: تهران/ 25 جنوری 1977)

رئیس جمهور داوود به من گفت: توان امروزی اقتصادی ایران معادله geopolitics منطقه را برهم زده و در برابر وابستگی گسترده [افغانستان] به مسکو بدیل جدیدی پیشکش نموده است. مناسبات تاریخی ما با ایران حسنه نبود، ولی باید با واقعیت‌های جدید عیار شویم. (کابل/ دهم فیروزی 1977)

Roy Crook سفیر بریتانیا در کابل و کارشناس مسایل افغانستان، با اشاره به سخنان داوود، چنین پیش‌بینی کرد: اگر [پالیسی ایران] بسیار تند و تیز پیش برود، دیپلماسی تهران روس‌ها را خواهد آزد و واکنش خواهد انگیخت. شوروی‌ها به کمونیست‌های افغان کمک فراوان دادند تا داوود را زیر نظر داشته باشند و برای روز مبادا آمادگی بگیرند. آنان در مجموع از میزان نفوذ شان [بر جمهوریت داوود] راضی اند، به شرطی که میلان سوی راست بسیار زیاد نشود. (گفت‌وشنود با نگارنده: کابل/ نهم فیروزی 1977)

یک سال پس از آن پیش‌بینی دقیق، داوود هم در امور داخلی و هم در عرصه خارجی خیلی سریع به جانب راست چرخید. قانون اساسی یک‌حزبی، در فیروزی 1977 به قدیر نورستانی وزیر داخله صلاحیت مزید داد تا روند سرکوب کمونیست‌ها و سایر مخالفین حاکمیت را تشدید بخشد.

سفرهای داوود به مصر با سه توقف در ترکیه، عربستان و کویت در نگاه شوروی ناگوار و زننده آمد. سفر دومی وی به قاهره، بلافاصله پس از برگشت انور سادات از اسرائیل بود. سادات در حضور سفیر شوروی به داوود گفت: پالیسی معقول ملی‌گرایانه‌یی که بر اساس استقلال و اراده ملت با تحریم انسلاک و اطاعت راه انداخته اید، در نگاه ما سزاوار ستایش فراوان است. (سرویس عربی رادیو قاهره: ششم اپریل 1978)

انتخاب کابل در نقش میزبان نشست وزرای خارجه کشورهای کنفرانس عدم انسلاک (می 1978)، پلان سفر شاه ایران به کابل (جون 1978) و تصمیم دیدار داوود از کاخ سپید (سپتمبر 1978) - برای دریافت کمک‌های اقتصادی امریکا - درج برنامه شد. افغان‌ها که می‌دیدند که 60% بودجه مصارف 1977 و 1978 کشور شان بر امداد بیرونی استوار است، نگران دورنمای افزایش چند چندان آن بودند.

شمار زیادی از روشن‌فکران می‌گفتند نوسازی بدون همچو وابستگی آغاز نمی‌شود، چاره دیگری نیست؛ ولی ملی‌گرایان پشتون به شمول خلقی‌های کمونیست عقیده داشتند که داوود به فرمان واشنگتن و تهران می‌خواهد سرافکنده به پاکستان تسلیم شود تا کمک به دست بیاورد.

جنرال ضیاءالحق در پرتو پشتی‌بانی دیپلماتیک از سوی امریکا و ایران، با پیشکش نمودن دو شرط خواستار آشتی با کابل شد: به رسمیت شناختن خط دیورند و به خاک سپردن موضوع پشتونستان.

در آغاز، داوود پاپس می‌کشید، اما در دومین دیدار با ضیاءالحق - اسلام‌آباد/ مارچ 1978 - زمینه‌سازگاری هموار شد. برگشت رئیس‌جمهور و اعلام برنامه دیدار ضیا از کابل در اگست، به سرگوشی منتقدین دامن زد: خط دیورند را خواهد پذیرفت تا رویای "افغانستان بزرگتر" را در هم بشکند.

هنگامی که داوود در نشست دیگری به رهبران پشتون و بلوچ در کابل گفت: هشت هزار فعال و جنگ‌جوی پاکستانی پناهنده در افغانستان باید تا 30 اپریل 1978 از این سرزمین برون شوند، گراف بدگمانی ملی‌گرایان هم بالا رفت.

بقیه دارد

اجمل خٲک در کابل به من چنین بیان کرد...

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ